

PIANO SONG BOOK 1

کتاب آهنگ برای پیانو گلچینی از زیباترین آهنگ‌های ایران و جهان برای پیانو

(Primary Level)
GRADE 1 & 2

گردآوری، توضیحات و اجرا: شهرام خوش صفت

عنوان کتاب: گلچینی از زیباترین آهنگ‌های ایران و جهان برای پیانو ۱

مؤلف: شهرام خوش صفت

تعداد صفحات: ۱۲۰

صفحه آرای و طرح روی جلد: مینا یزدی

ناشر: انتشارات شبنم دانش

ناظر فنی چاپ: شهرام سعیددانش

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

نوبت و سال چاپ: اول - ۱۳۹۳ - تهران

قیمت به همراه سی دی: ۱۳۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۹-۰۰-۸۰۲۶۲۰-۲۴-۷

توجه: هر گونه برداشت، کپی و تکثیر این کتاب و فایل‌های صوتی اجرا شده، به هر شکل، ممنوع بوده و فقط با اجازه کتبی از مؤلف مجاز می باشد.



.....۸۶ سوزه	۴۸ به سوی غروب	 فهرست
.....۸۷ جان مریم	۴۹ Landler	 مقدمه
.....۸۹ Edelweiss	۵۰ شبی او خواهد آمد!	 نکاتی قبل از آغاز نواختن
.....۹۰ La candeure	۵۱ My Grandfather's Clock	 چگونه پشت پیانو بنشینیم؟
.....۹۲ شهرزاد	۵۳ Can Can	 چگونه از روی نت بخوانیم؟
.....۹۴ گل سنگم	۵۴ نیمکت های خالی	 قصیده شادی، گرم کردن انگشتان
.....۹۶ Autumn leaves	 ۵۵ ترن	 من می نوازم
.....۹۷ Swan Lake	۵۶ عروسک جون	 قایق کاغذی
.....۹۸ Swan River	 Joy to the world	 یک سبد گل برای تو
.....۹۹ گنجشکک اشی مشی	 Kaiser walzer	 کوچ پرستوها
.....۱۰۰ جمعه	 Silent Night	 بابانوئل
.....۱۰۲ Henry Purcell	۶۱ Little classic waltz	 Jingle bells
..... ۱۰۳ Air in Dm	 ۶۲ اشک با او میخندد!	 آهنگ آلمانی
.....۱۰۴ امواج دانوب	 ۶۳ جاده ای پر از گل	 ایستگاه قدیمی
.....۱۰۶ The Harebell	 ۶۴ به گلی سایه چمن	 Allegretto
..... ۱۰۸ نام تو را می نویسم	 ۶۵ اسمر اسمر	 والس ایرانی
.....۱۰۹ بلال بلال	۶۶ گارون گارون	 Are you sleeping?
.....۱۱۱ Rigoletto	 ۶۷ Papilon	 ماه تو آسمونه
..... ۱۱۲ Minuet in G	 ۶۸ کار با کلید فا	 I like thee!
.....۱۱۴ Eglantine waltz	۶۹ مردان سیاه پوش	 What can I share?
.....۱۱۵ آریه موسیقی جاز	 ۷۰ دودکش های شهر لندن	 Waltz
..... ۱۱۶ بلوز دانوب	 ۷۱ برای تو می نوازم	 میکی ماوس
..... ۱۱۷ New Orleans	 ۷۲ باران	 حرکت موازی
..... ۱۱۸ واژه نامه	 ۷۴ دایه دایه	 کار با نت های چنگ
	 ۷۵ سرود زرتشت	 دو پرنده
	 ۷۶ عزیز جون	 You are my true Love!
	۷۷ کوچه لره	 Que Sera
	۷۸ رشید خان	 آهنگ اسکاتلندی
	۷۹ کوهستان	 تنهایی
	۸۰ محلی کردی (آخ لیلم)	 بخشی از سمفونی دنیای نو
	 ۸۲ دوه به دوه	 هتل کروکستن
	 ۸۳ سلطان قلبها	 Russian nights

مقدمه

هدف من از تالیف این کتب آموزشی چیزی به جز خدمت به ادبیات موسیقی پیانوی کشورم نبوده است. من از افرادی که خود را بی اشتباه می‌پندارند، متنفرم و مطمئنم که در این کتاب بی اشتباه نبوده‌ام. بنابراین اگر این مجموعه، جایی در کتابخانه‌ی شما پیدا کرد، امیدوارم که مرا از توصیه‌ها و انتقادات خودتان بی نصیب نگذارید، حتی اگر این انتقادهای بسیار تند و غیر دوستانه باشد. در طول مدتی که به عنوان معلم پیانو کار می‌کرده‌ام همیشه احساس می‌کردم بخشی از کار اشکال دارد. متدهای گوناگونی برای آموزش پیانو در دنیا وجود دارد: بیر، مایکل آرون، جیمز لست، جان تامپسون، بلا بارتوک، سوزوکی، دیک بنت، دیسنی، آلن ریگرز و این متدها، هر یک، مزایا و اشکالاتی دارند. اما یک معلم پیانوی خوب که در ایران تدریس می‌کند، همیشه به دنبال منابعی است که دست کم بتواند چند آهنگ و ترانه‌ی محلی و وطنی را نیز آموزش دهد. اعتقاد دارم یک نوازنده‌ی پیانوی ایرانی به همان اندازه که باید با موسیقی موتسارت و بتهون و هایدن و باخ و شوپن آشنا باشد، باید علیرضا مشایخی را نیز بشناسد و از تنظیم‌های قشنگ سیاوش بیضایی برای پیانو لذت ببرد و ملودی‌های بومی و نغمه‌های معصوم قدیمی را بنوازد و به آنها افتخار کند. کاری که غربی‌ها در طول قرن‌ها انجام داده‌اند و رپورتوار عظیمی از ادبیات پیانو در اختیار دارند که چاپ و نشر آنها سالانه میلیاردها دلار به آنها سود می‌رساند که بسیاری از آنها بار فنی و تکنیکی مناسب، ندارد و فقط کتابخانه پرکن است. اما متأسفانه با گسترش ادبیات روشنفکری چند دهه‌ی قبل مابین نوازندگان پیانو که با ادبیات موسیقی غرب آشنا شده بودند، ایرانی‌ستیزی نیز رواج یافت، تا جایی که برخی از معلمین به اصطلاح متجدد، اجرای هر موسیقی ایرانی توسط پیانو را برای هنرجویان خود ممنوع کردند و اساساً اجرای ملودی‌های بومی نوعی هنر سخیف به‌شمار آمد. اما همین‌ها در آموزش تکنیک‌های درست نوازندگی به هنرجویان خود درست عمل نمی‌کردند. خروجی کلاس هم چیزی جز بن‌بود که بعد از دو سه سال، شاگرد مجبور بود معلم خود را عوض کند و یا عطای پیانو را به لقایش ببخشد، چون هیچ لذتی از کار خود نمی‌برد. هیچ شکی نیست که بیشتر آثار پیانوی کلاسیک با شکوه، علمی، زیبا و فاخر بوده‌اند، اما حتی در خود اروپا هیچ معلمی شاگرد خود را مجبور نمی‌کند که فقط کلاسیک بنوازد. زیرا ژانرهای جالب دیگری در طول این صد سال اخیر متولد شده‌اند که بسیار بسیار جالبند. روبینشتاین بزرگ، که ادبیات موسیقی آمریکا را متحول ساخت در خاطرات خود می‌نویسد: «روزی از کنار یک کلوب شبانه رد می‌شدم. صدای پیانوی ناکوکی که (به سبک) جاز می‌نواخت شنیدم. خودم را نفرین کردم که دیگر از آن خیابان عبور نکنم. اما فردا شب، همان موقع، بی اختیار جلوی کلوب ایستاده بودم تا صدای موسیقی عجیبی که در آن صدای خود کشانده بود تجزیه و تحلیل کنم. همان شب سراغ یکی از دوستانم که به سبک جاز می‌نواخت رفتم و به او گفتم: من می‌توانم در مقابل این موسیقی مقاومت کنم. باید آن را بیاموزم و تو باید کمک کنی...» عین همین ماجرا برای گرشوین استاد و نتیجه، خلق آثاری بود که به کلی با آثار گذشتگان متفاوت بود و از زیبایی نیز چیزی کم نداشت و امروز هر موسیقیدان آمریکایی به آن افتخار می‌کند. آمریکایی‌ها به جای مبارزه و تقبیح موسیقی جاز - که اتفاقاً ربطی هم به فرهنگ آمریکا نداشت و از آفریقا آمده بود - به پیشرفت و اعتلای آن کمک کردند و تا جایی که می‌توانستند به آن چهارچوب علمی دادند، تا جایی که دانشجویی که در یکی از رشته‌های موسیقی فارغ‌التحصیل می‌شود، محال است با این موسیقی‌شناسی نداشته باشد. حال، ما ایرانی‌ها به جای حفظ این مقدار ناچیز از موسیقی که برایمان باقی مانده است، (با اینکه می‌دانیم ملودی‌های وطنی چقدر جذاب و نوستالژیک هستند)، به آنها بی‌اعتنایی می‌کنیم و اجرای آنها را برابر رفتن آبروی هنریمان می‌دانیم.

ما ایرانی‌ها در موسیقی خیلی چیزها برای گفتن داریم. نوازندگان و آهنگسازان ما در عرصه‌های بین‌المللی خوش درخشیده‌اند که دیگر تعداد آنها انگشت شمار نیست. از طرفی، غربی‌ها سالهای زیادی است به دنبال نغمه‌های بومی شرق هستند و خیلی از آنها با دستی پر برگشته‌اند. موسیقی ایرانی، حتی در مقاطعی موسیقی جاز را نیز تحت تاثیر قرار داده و شوئنبرگ و وبر و بلا بارتوک نیز از آن بی نصیب نمانده‌اند، پس چرا خود ما بی نصیب بمانیم؟ در کتاب‌های دوم، سوم و چهارم نمونه‌هایی از این تاثیر را برای شما مثال آورده‌ام؛ قطعه‌ی «صفهان» اثر دوک الینگتن معروف! چیزی که ممکن

است شما برای اولین بار با آن برخورد می‌کنید. یا قطعه‌ی «جاده ای به سوی افق» اثر مایکل دیویس آمریکایی که در گام دشتی نوشته شده است. یا سمفونی شهرزاد اثر نیکلای ریمسکی کورساکف که مُد فریترین یا همان تعدیل شده‌ی گام شور را دنبال می‌کند. برای اولین بار، قطعه‌ای از ابن سینا در این کتاب آورده شده که در نوع خود جالب است. اینها میراث ملّتی است که باید بتواند در بسیاری از جنبه‌ها به گذشته‌ی خود افتخار کند. غربی‌ها آنقدر به این موضوع علاقمندند که حتی قطعات نه چندان خوب قدیمی را نیز آموزش می‌دهند و با نوشتن تاریخ در بالای قطعات سعی دارند به همه بفهمانند که چه قدمتی در موسیقی دارند. کاری که ما هم حداقل برای ادبیات موسیقی صد سال گذشته‌ی کشورمان می‌توانیم انجام دهیم. موسیقی گذشته‌ی ما آنقدر صمیمی و بی‌آلایش و خوشگل است که حتی شنونده‌ی غربی را به خود جذب می‌کند تا حدّی که در فرهنگ موسیقی غرب، مُد جدیدی به نام مینور دُوبِل اضافه می‌شود که همان «چهارگاه» خودمان است. در کتب هارمونی جدید، نگاه جدیدی به فواصل شرقی مثل دوم افزوده به وجود می‌آید. خیلی از این متدهای غربی، خوب هستند، اما نه برای فرهنگ ما، بلکه برای یک نوازنده‌ی غربی، با حال و هوای غربی. خیلی از هنرمندانی که برای پیانو مُتد نوشته‌اند، اساساً پیانیست نیستند! مانند مایکل آرون و دیک نیت، که ساز اول آنها گیتار است و نه پیانو! البته نباید از این گذشت که این کتاب‌ها، کتاب‌های بدی نیستند، اما برای تدریس به یک هنرجوی ایرانی لزوماً خوب نیستند. وقت آن رسیده که ژانر موسیقی ایرانی به کتاب‌ها اضافه شود. برخی، ملودی‌های ایرانی را جدّی نمی‌دانند. باید به آنها بگوییم که هیچ مُتدی صد در صد جدّی نیست، و به طور کلی، هیچی جنبه‌های هزل و شوخی هم دارد که خود، یک اثر هنری جالب محسوب می‌شود. موسیقی کلاسیک پر است از این شوخی‌ها. بنابراین فکر نکنید که یک نوازنده‌ی پیانو حتماً باید اخم کند، رگ‌های پیشانی‌اش از زور جدّی بودن بیرون بزند، دندان‌هایش را روی هم فشار دهد، فراگ مشکی بپوشد و کفش واکس زده به پا داشته باشد. اینها معنی موسیقی کلاسیک نیست. بزنید بوتسارت چند قطعه فقط برای مراسم شادی و طنز و مسخره بازی نوشته است. قطعه‌ی Ecossaise اثر بتهون را براندا تا آنجا رنده روده بر شوید! قطعات ایرانی نیز ممکن است جدّی نباشند، یعنی قطعات تفریحی باشند؛ اشکالی ندارد، شما می‌توانید برابرِ پد خود که به جز موسیقی وطنی موسیقی دیگری نشنیده، بتهون اجرا کنید، او هم به طور حتم از شنیدن این اثر خوشحال خواهد شد. ما زمانی که برای او مثلاً *اللهی ناز* مرحوم بنان را اجرا می‌کنید، او لذّت خواهد برد. کاربرد موسیقی همین است، یعنی هم خود لذّت ببرید و هم اجازه بدهید دیگران از شما لذّت ببرند، چون موسیقی شما فقط به خودتان تعلق ندارد، متعلق به محیط پیرامون شما نیز هست، و چه بخواهید چه نخواهید باید به این محیط پیرامون احترام بگذارید. این مهم نیست که هنرجوی موسیقی پیانو، چه قطعه‌ای می‌نوازد؛ او باید درست بنوازد، ایرانی و غیر ایرانی بودن قطعه فرقی نمی‌کند. همچنین معلم باید معاً خوبی باشد، ایرانی و غیر ایرانی بودن او تفاوتی نمی‌کند.

در مباحث زیبایی شناختی موسیقی که سال‌ها - بهتر بگویم قرن‌ها - فکر نظریه پردازان موسیقی را به خود مشغول کرده، واژه‌ی زیبایی، تعابیر و مفاهیم گوناگونی دارد که ورود به این مبحث، ورود به دنیای فلسفه هنر است، که خود وقت بسیار زیادی می‌گیرد. زیبایی در دوران باروک، با زیبایی دوران کلاسیک متفاوت است. همچنین رمانتیک، زیبایی را طور دیگری می‌بیند، همانطور که زیبایی موسیقی معاصر، از دیدگاه آهنگسازانی مانند دیوسی و شوئنبرگ چیز دیگری است. همیشه پیچیده بودن یک موسیقی، آن را زیبا نمی‌کند. ملودی‌های محلی ملل مختلف، از جمله ایران، با وجود سادگی زیبا هستند. برخی از قطعات اساساً برای لذّت بردن ساخته نشده‌اند، بلکه قطعاتی صرفاً تکنیکی هستند و یا یک فلسفه‌ی فکری را دنبال می‌کنند؛ به این معنی که می‌خواهند معانی مختلفی را در ذهن شنونده پرورش دهند و یا او را به فکر کردن وادارند. برخی دیگر، می‌خواهند احساسات مختلفی را در شنونده ایجاد کنند و یا آن را تقویت کنند. احساساتی مانند ترس، خشم و یا حتی گلايه. بدیهی است که این موسیقی‌ها کاملاً با آنچه که ما به طور روزمره می‌شنویم متفاوت هستند. گوش شنوندگان ایرانی، شاید به این نوع موسیقی عادت نداشته باشد. اما یک نوازنده می‌تواند قطعاتی را اجرا کند که شنیدن آنها برای یک شنونده عام، قدری پیچیده، عجیب و حتی آزاردهنده به نظر برسد. اما درست هنگامی که شعور موسیقی این شنونده قدری بالا می‌رود، بسیاری از این قطعات برای او دلچسب و حتی رویایی به نظر خواهد رسید.

نکته‌ی مهمی که می‌خواهم در اینجا به آن اشاره کنم این است که این کتاب‌ها، به هیچ وجه یک مُتد آموزشی نیستند، گرچه می‌توانند به صورت مُتد تدریس شوند. همچنین این کتاب‌ها خودآموز نیز نیستند. بنابراین مخاطبین عزیز نباید انتظار داشته باشند که مانند کتاب‌های دیگری مانند جان تامپسن یا مایکل آرُن تمام موارد تکنیکی جزء به جزء توضیح داده شوند. این کتاب‌ها فقط و فقط کتاب آهنگ هستند، بنابراین بهتر است زیر نظر معلّم آموزش داده شوند. در کتاب ششم، یعنی «تئوری موسیقی برای هنرجویان پیانو»، مباحث تئوری به طور کاربردی و ساده تدریس شده‌اند و در پایان هر فصل، تمرین‌های مفصلی گنجاییده شده تا هنرجو به طور کامل، مبحث تئوری را فرا بگیرد.

در این مجموعه کوشیده‌ام تا تمام سبک‌ها را به نوعی معرفی کنم و دست معلّم را برای طراحی آموزه‌های جدید بازگذاشته‌ام. بنابراین دلیلی ندارد که معلّم پیانو حتماً و فقط این کتاب را آموزش دهد. او می‌تواند این کتاب را به موازات متدی که انتخاب کرده آموزش دهد، یا حتی از کتاب دو یا سه شروع کند و یا اساساً فقط کتاب آهنگ را تدریس کند. روند آموزش، تقریباً تدریجی و پله به پله است. قطعات، از ژانرهای مختلفی انتخاب و طبقه‌بندی شده‌اند. از کلاسیک گرفته تا پاپ و جاز و ایرانی و مدرن و حتی پُست مدرن. توضیحاتی که برای برخی از درس‌ها آورده شده، خوب ولی ناکافی است. معلّم باید موارد تکنیکی را به طور مفصل برای هنرجو شرح دهد. برای اولین بار در این کتاب‌ها، به مواردی مانند امپروویزاسیون، آهنگسازی و بااه نوازی پرداخته شده تا هنرجو بتواند خلاقانه ذهنش را در قالب موسیقی به تصویر بکشد. از کتب بسیاری الهام گرفته‌ام تا بتوانم به همه‌ی سلیقه‌ها بپردازم. آثار گردآوری شده تنها کپی و پیست نشده‌اند؛ روی آنها ساعت‌ها کار شده و اهمیت هر یک بررسی شده است. بسیاری از آنها دوباره تنظیم شده‌اند. انگشت‌گذاری‌ها و آرتیکولاسیون‌ها به دقت مورد توجه قرار گرفته و برخی از قطعاتی که نشانه‌های کمکی ندارند، به خاطر این است که خود هنرجو بتواند آنها را با هر حالتی که دوست دارد اجرا کند. در اجرای قطعات نیز تلاش من بر این بوده که تا آنجا که ممکن است، سبک قطعه را حفظ کنم تا هنرجو یک نمونه، صوتی خوب برای شنیدن داشته باشد، اما به طور حتم، اجرای قطعات، به خاطر ملاحظاتمانند محدودیت زمان ضبط، اسکا، تمپو دارد که باید در چاپ‌های بعدی برطرف شود. همراه با فایل‌های صوتی که همگی به صورت زنده اجرا و ضبط شده‌اند، فایل‌هایی نیز ضمیمه شده‌اند که اجرای خوب و عالی نوازندگان بزرگی همچون اشکنازی و آلفرد برنسل می‌باشد، تا هنرجو الگوی مناسبی برای درک کامل قطعات و تکنیک و سونوریت‌های عالی در اختیار داشته باشد. امیدوارم روزی ناشرین محترم کتب موسیقی، فایل‌هایی را که به صورت کامپیوتری و با فرمت MIDI ضمیمه‌ی کتابها می‌کنند با اجرای زنده توسط پیانیست‌های غربی که امروز در ایران تعدادشان کم نیست عوض کنند تا هنرجو به یک اجرای انسانی گوش کند. شاید اجرای زنده دقت اجرای کامپیوتری را نداشته باشد، اما حس انسانی را منتقل می‌کند. شنیدن یک اثر کامپیوتری، درک موزیکال هنرجو نسبت به موسیقی را به طور کامل از بین می‌برد.

در اینجا لازم می‌دانم از حمایت‌های مدیر محترم شرکت Weber در ایران، آقای بهروز فرمایش تشکر کنم. بخشی از قطعات در استودیو پاپ با پیانوی هافمن با صدابرداری استاد بزرگوار ناصر فرهودی ضبط شده است که سپاسگذار ایشان هستم. همچنین از پیانوی دیجیتال Kurzweil در اجرای برخی از قطعات از آن استفاده کرده‌ام. از آقای علی خطیبی برای صدابرداری و میکس دیگر قطعات و آقای شهرام دانش برای چاپ این مجموعه صمیمانه تشکر می‌کنم. از تلاش‌های خانم Sarah Jaquess مشاور تحصیلی دانشگاه برکلی شعبه‌ی لندن، که در تهیه‌ی نسخه‌های قطعات انتخابی کمک کردند و همچنین استادان خوبم، استاد کامبیز روشن روان، کمال طراوتی، آندره مرادیان، Tom Donald و Peter Sander تشکر می‌کنم.